

سخنرانی یوسف عزیزی بنی طرف و آقای دکتر چهرگانی

آقای یوسف عزیزی بنی طرف در مقر جبهه مشارکت در اهواز سخنرانی کرد و بدنبال آن در پرسش و پاسخ شرکت کرد. فصلنامه ترکی - فارسی وارلیق این سخنرانی را بطور کامل منتشر کرده است. سخنرانی ایشان اینبار نیز مثل سخنرانی قبلی او در مجمع کانون نویسندگان ایران هم در داخل و هم در خارج از کشور انعکاس وسیعی یافت. در نبود احزاب و گروههای مستقل سیاسی خلق های ایران اظهار نظرهای افراد و شخصیت های برجسته و همچنین نمایندگان این ملت ها نقش بسیار مهمی در بیان خواسته های برحق این ملت ها دارند. ایشان تبدیل به نوعی سخنگوی ملت ستم دیده خود شده و درد و رنج آنها را به شکل های مختلفی بیان می کنند. روشنفکران و شخصیت های اقلیت های ملی چه در داخل ایران و چه در خارج از کشور از هرگونه امکانی که دست می یابند استفاده می کنند و در میان جامعه روشنفکری داخل و خارج از کشور مسئله ملی را طرح می کنند. آقای بنی طرف در سخنرانی هایش از ترکمنصحر و ترکمن ها نیز یاد می کند و درد مردم ترکمن و خلق های دیگر کشور را نیز در کنار حقوق ملت عرب در ایران بیان می کند. زبان او زبان همه خلق هاست و اندیشه و افکار و خواست و درخواست او خواست همه خلق هاست. بدرستی او واژه خلق و ملت را زمانی بکار می برد که به هر نحوی که شده اصطلاح نادرست قوم و طایفه و عشیره را برای این ملت ها بکار می برند. او به درستی درک دموکراسی اصلاح طلبان را که اول به مسئله دموکراسی پرداخت می کنند و بعد مسئله اقوام را، به نقد می کشد و می گوید: به نظر من این خط مبحث است. زیرا مسئله قومیت ها در بطن مقوله دموکراسی است. هم در سطح جهانی و هم در سطح ایران. نگرشی که آقای بنی طرف به عنوان یک روشنفکر وابسته به اقلیت ملی عرب دارد چندان تفاوتی با یک روشنفکر وابسته به ملت ترکمن ندارد. سنوال ایشان از اصلاح طلبان که چرا اصلاح طلبان ایدئولوژی شونیستی فارسگرا را و پان ایرانیسم را محکوم و یا برخورد نمی کنند، سنوال روشنفکران ترکمن نیز هست. ترکمن ها نیز ماهیت جمهوری اسلامی ایران را یک نوع "ناسیونالیسم شیعی - فارسی" می دانند و روشنفکران ترکمن و بویژه آن عده از اینان که طرفدار پرو پا قرص اصلاح طلبان هستند به عیان دیده اند که در ایران علیرغم صحبت های زیاد از آزادی و حقوق شهروندی و گفتگوی فرهنگ ها بقول آقای بنی طرف "برخورد امنیتی با مسائل فرهنگی قومیت ها" می شود.

اساسی ترین قسمت سخنرانی ایشان را در تفکر "نظام نامتمرکز" می دانیم. برای ترکمن ها و بطور کلی خلق های کشور اصلی ترین مسئله در دستیابی به حقوق برابر با ملت فارس تقسیم عادلانه قدرت در کشور است. ما نیز اعتقاد داریم که دست حکومت سرتاسری به اصطلاح برای حفظ تمامیت کشور و برای جلوگیری از فروپاشی کشور بایستی از مناطق ملی قطع شود. این امر به منزله نابودی کشور و یا تجزیه آن نیست. حکومت مرکزی بایستی نه حکومت سرکوب و فشار، بلکه حکومت "سمپلیک" باشد. سخنرانی آقای بنی طرف بویژه در خارج از کشور انعکاس وسیعی پیدا کرد و باعث طرح مسائل ملی شد.

آقای دکتر چهرگانی یکی از شخصیت های ملی آذربایجان نیز در خارج از کشور (در سوئد و آلمان) سخنرانی کردند. ایشان نیز مسائل ملی را در میان آذربایجانی ها بررسی کردند. بنا به گفته ایشان یک سوم دانشگاهها و دانشجویان کشور آذری هستند و هم اکنون در ایران صدها نشریات دانشجویی از سوی آذربایجانی ها منتشر می شود. وی در بخشی از سخنرانی خود سرمایه گذاری کشور را یکجانبه و نادرست دانست. بنا به گفته ایشان سرمایه گذاری عمده کشور در شهرهای فارس نشین برای مثال در کرمان، رفسنجان انجام می گیرد. آقای دکتر چهرگانی سیر حوادث ایران را غیرمنتظره خوانده و می گوید که مردم آذربایجان به شعور ملی خود دست یافته اند و خواستار حقوق ملی خود هستند.

اکنون چه در داخل و چه در خارج از کشور مسئله ملی یکی از عمده ترین مسائل کشور به حساب می آید. بویژه در خارج از کشور اپوزسیون و گروهها و احزاب اقلیت های ملی فعالتر شده اند. کمیته ای از فعالان سیاسی با گرایشات فکری گوناگون در شهر دورتموند طی برگزاری جلسه ای به بررسی مسائلی از قبیل جدائی دین از سیاست، حکومت و حاکمیت غیر متمرکز و فدرال و تامین حقوق ملی تمامی ملیت های ساکن ایران پرداخت. بدنبال آن در لندن نیز کنفرانس کمیته اقوام ایرانی برای دموکراسی برگزار شد. هم اکنون از راست ترین جریانات فکری کشور (و در خارج از کشور) گرفته تا اصلاح طلبان جمهوری اسلامی ایران مسئله ملی را به عنوان یک مسئله آتی کشور قلمداد می کنند. مسلم است که در این راستا تاثیر ۱۱ سپتامبر و همچنین مسائل افغانستان را نباید کم بها داد. منافع استراتژیک اقلیت های ملی کشور فقط در نابودی جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه از میان رفتن آن ساختار سیاسی - نظامی کشور است که با نابودی و انقراض آن قدرت سیاسی کشور به شکلی عادلانه و برابر حقوق تقسیم می شود. تضمین دموکراسی در کشور تنها از طریق تقسیم عادلانه قدرت در کشور انجام می گیرد در غیراینصورت دموکراسی شعاری بیش نخواهد بود.